

هوری

زندگی‌نامه و خاطرات سردار شهید علی هاشمی



گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی

فهرست

۱۴۱	پل خیبر	۷	مقدمه
۱۴۶	اقدامات	۱۰	آن روزها
۱۵۰	یا رسول الله	۱۳	مسجد
۱۵۴	فرات	۱۶	انقلاب
۱۵۸	تحلیل	۱۹	کمیته
۱۶۵	خستگی ناپذیری	۲۱	مسئول فرهنگی
۱۶۷	سر و سامان	۲۳	دفاع
۱۷۱	عروسی	۲۶	حفاظت از شهر
۱۷۳	فرسان الهور	۲۹	اولین دیدار
۱۷۶	محبت	۳۳	انقلابی دیگر
۱۷۸	خصوصیات	۳۶	عملیات
۱۸۲	بیت المال	۳۶	شهید چمران
۱۸۴	عملیات ربایش	۴۰	دقت نظر
۱۸۸	درد دل	۴۳	دفتر نخست‌وزیری
۱۹۲	بدر	۴۶	کرخه نور
۱۹۶	نفس مسیحایی	۴۹	پیمان
۲۰۰	زخم زبان	۵۲	راه کار
۲۰۳	وظیفه	۵۵	ام‌الحسنین علیه السلام
۲۰۶	شهرداری	۵۸	کلاس فرماندهی
۲۰۸	زینب	۶۰	شناسایی
۲۱۰	حج	۶۲	صورت‌انه
۲۱۳	الموت لصدام	۶۴	آزادی خرمشهر
۲۱۷	فریب	۶۷	سپاه سوسنگرد
۲۲۲	سنگرهای ساختگی	۷۰	تصمیم انقلابی
۲۲۵	پدر و فرزند	۷۲	حراست مرزی
۲۲۷	تواضع	۷۶	امکانات
۲۳۰	محافظ	۷۹	توجه به نیروها
۲۳۴	ترور صدام	۸۲	والفجر مقدماتی
۲۳۶	خانه	۸۵	عدم‌الفتح
۲۴۰	والفجر ۱۰	۸۷	چای بعدی در هور
۲۴۲	روزهای آخر	۹۰	به کلی سری
۲۴۵	آخرین دیدار	۹۳	سخنی کار در هور
۲۴۹	اوضاع وخیم	۹۶	قرارگاه نصرت
۲۵۲	آتش در نیستان	۹۹	بازدید
۲۵۴	هلی برن	۱۰۳	طبیعت هور
۲۵۸	عند ربهم برزقون	۱۰۷	عبور از مرز
۲۶۲	چشم انتظار	۱۱۰	حساسیت شناسایی
۲۶۵	تا انتها	۱۱۴	روحیه
۲۶۹	سال‌های انتظار	۱۱۶	نقشه
۲۷۱	تفحص	۱۱۸	نایقه
۲۷۵	رجعت	۱۲۴	خودش امضاست
۲۷۸	این عمار	۱۲۷	جذب نیرو
۲۸۱	سردار مظلوم	۱۳۰	مؤسس
۲۸۴	ابوالفضل خمینی	۱۳۴	عاشقی
۲۸۶	ضمانت و تصاویر	۱۳۸	فرماندهان

مقدمه

نمی‌دانم چه بنویسم. چگونه از او بگویم. اصلاً چه باید گفت از کسی که زندگی‌اش همواره مخفی و دور از نگاه مردم بوده! و شهادتش نیز، غریب‌تر از زندگانی‌اش!

از کجای زندگی او بگوییم؟ اصلاً چگونه باید گفت؟! از کسی که همه‌ی دوران زندگی‌اش، کودکی و نوجوانی و جوانی‌اش همگی درس بود و راهنمای زندگی دیگران.

او تا خود را شناخت، در عرصه‌ی مبارزه پای نهاد و زندگی‌اش، بر همین اساس تنظیم شد.

در همه‌ی میدان‌ها وقتی وارد می‌شد بهترین تصمیم‌ها را می‌گرفت. او کلید حل مشکلات بود.

در درگیری با منافقین و مزدوران، در غائله‌ی خلق عرب، با شجاعت وارد میدان شد. در روزهای آغازین جنگ با درایت و مدیریت خود نیروها را برای نبردی عاشورایی آماده کرد.

هنوز بیست سال بیشتر نداشت که فرماندهی یک تیپ رزمی را بر عهده گرفت. و از اینجا بود که نبوغ خود را بیش از قبل نشان داد. بزرگ‌ترین فرماندهان جنگ بر این توانایی او صحه گذاشتند.

امروزه دانشمندان اعتقاد دارند؛ کسانی می‌توانند منشأ تأثیر و رهبری جریانات مختلف باشند که هنر مدیریت جمعی را در کنار خلاقیت فردی داشته باشند. و علی‌داستان ما این گونه بود. او بهترین طرح‌ها را می‌داد و با مدیریت خاصی که بر قلوب نیروهایش داشت، آن‌ها را رهبری می‌کرد. و باید اشاره کرد که ایمان خالصانه علی، مدیریت و خلاقیت‌های او را تکمیل می‌کرد. عملیات ام‌الحسین علیه السلام نشانه‌ی این مدعای ماست. او عاشق حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام بود. برای همین، این نام را برای عملیات برگزید.

علی که بیست سال بیشتر نداشت یک عملیات را به خوبی رهبری کرد. تا جایی که فرماندهان زبده‌ی ارتش عراق مات و مبهوت او شدند! او سال‌ها در سمت‌های مختلف، در عرصه‌ی نبرد حضور داشت، هر روز و هر جا که مسئولان برای او مشخص می‌کردند مشغول انجام وظیفه می‌گردید، تا اینکه راهی هور شد و هور، مسیر زندگی او را عوض کرد. او اهل هور شد. اما هوری! هوری حکایت مرد خلّاقی است که گره‌ی افتاده به جنگ را با هنرنمایی خود گشود! هوری حکایت مردی است که کارش کارستان بود! از یک منطقه‌ی مرده که کسی به آن توجه نمی‌کرد، جبهه‌ای ساخت که ارتش عراق مبهوت هنرنمایی او و یارانش شد!

او از توان نیروهای بومی به بهترین نحو استفاده کرد. حتی معارضان عراقی را برای مبارزه با صدام بسیج کرد و سخت‌ترین ضربه‌ها را به دشمن وارد نمود.

هوری حکایت مردی است که هور را پل پیروزی نمود و تا پایان، بر سر این پیمان ایستاد. هوری حکایت کسی است که اهل هور شد. سال‌ها خود را وقف هور نمود. او تا لحظه‌ی آخر در هور ماند، تا مشعل هدایتی باشد برای راهیان نور و همه‌ی آیندگان.

وقتی به روزهای آخر جهاد رسید، در هور ماند تا همه بروند، و در میان نیستان هور با خدای خود خلوت کرد. آری، هوری حکایت زنده بودن شهادت است. هوری حکایت دیگری هم دارد! داستان مردی است که می‌خواست مانند مادر سادت، گمنام و بی‌مزار باشد. اما با شنیدن صدای غربت و مظلومیت رهبرش دیگر سکوت را جایز ندانست!

«این عمار» را که شنید سر از میان نیزارهای هور بلند کرد و به ندای مظلومیت ولیّ زمان خود لبیک گفت. آن زمان که خواص بی‌خاصیت، سر در آخر دنیای خود تنیده بودند و به روزمرگی خود ادامه دادند، او بود که یک‌باره قیام کرد و قیامت نمود! فاطمیه رسیده بود و نمی‌خواست بار دیگر ندای مظلومیت فرزندی از اولاد علی علیه السلام در گوش تاریخ تکرار شود. قیام خود را از تهران آغاز کرد! قیامتی شده بود در عصر جمعه‌ی فاطمیه!

شهر به شهر حرکت کرد تا وجدان‌های خفته را بیدار نماید. آری، هوری حکایت اوست؛ حکایت کسی که هنوز ناشناخته است؛ زیرا عاشقان حضرت صدیقه علیها السلام، مانند مادرشان ناشناخته خواهند ماند.

هوری حکایت کسی است که ایران را تکان داد. وجدان‌ها را بیدار نمود و به همه یادآور شد که شهدا هستند که در شرایط سخت، به سراغ ما خواهند آمد و راه را از بیراهه نشان خواهند داد. او به ما یادآوری کرد که روح‌الله عزیز فرموده: «پشتیان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد».